

نامه‌نگاریهای شاه اسماعیل اول صفوی با شارلکن (کارل پنجم) امپراتور آلمان

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی روابط صفویه در روزگار شاه اسماعیل اول با کارل پنجم یا شارلکن، امپراتور آلمان، می‌پردازد. شاه اسماعیل پس از شکست از عثمانیها در جنگ چالدران (۱ رجب ۹۲۰/۲۳ اوت ۱۵۱۴) خواستار یگانگی با فرمانروایان نیرومند اروپا بود و چون از بزرگی و توانایی امپراتوری آلمان آگاه شد، نامه‌ای به همراه فرستاده پادشاه مجارستان برای شارلکن فرستاد و شارلکن هم به نامه شاه اسماعیل پاسخ داد. در این مقاله، چگونگی فرستادن نامه برای شارلکن و دریافت پاسخ آن از سوی دربار صفوی و پیامدهای آن بررسی می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلید واژه: شاه اسماعیل اول صفوی، شارلکن، ایران، آلمان.

مقدمه

در روزگار شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ق / ۱۵۰۱-۱۵۲۴م)، شارلکن (کارل پنجم) ۱۵۱۹-۱۵۵۸م) نیرومندترین پادشاه اروپا بود (مهدوی، ۱۳۶۴، ص ۲۶). شارلکن در ۱۵۰۰ میلادی متولد شد. پدر او فیلیپ لوبو (خوبرو) و مادرش ژان لافل (ژان دیوانه) (دولاندن، ج ۲، ۱۳۶۷، ص ۶۳) دختر فردیناند، پادشاه آراگون و ایزابل، ملکه کاستیل بود (غفاری فرد، ۱۳۸۴، ص ۹۸). شارلکن، اتریش، پی با،* (دولاندن، ج ۲، ۱۳۶۷، ص ۵۰) فرانش کنته را از سوی پدر به عنوان قلمرو هابسبورگ،** (غفاری فرد، ۱۳۸۴، ص ۹۶) و اسپانیا، ساردنی، سیسیل، ناپل و مستعمرات اسپانیا را در آمریکا از سوی مادر به ارث برده بود (دولاندن، ج ۲، ۱۳۶۷، ص ۴۰). تا آن روز هیچ کس وارث چنین سلطنتی نشده بود و مردم می‌گفتند:

«در قلمرو پادشاه اسپانیا خورشید هرگز غروب نمی‌کند.» (ماله، ۱۳۶۳، ص ۸۸).

امپراتوران فرانسه نیز خود را در ناپل و میلان صاحب حق می‌دانستند، به همین دلیل میان شارلکن و فرانسوای اول، امپراتور فرانسه، چهار جنگ در گرفت، اما این جنگها در جایگاه دو کشور و مرزهای آنها چندان دگرگونی به وجود نیاورد (غفاری فرد، ۱۳۸۴، ص ۸۷-۸). در ۱۵۲۱م. که جنگ میان شارلکن و فرانسوای اول شروع شد، ترکان عثمانی پس از دوازده بار حمله به بلگراد، آن شهر را گشودند و به این ترتیب، امکان عبور از رودخانه دانوب فراهم آمد. فرانسویها نیز با استفاده از فرصت با ترکان عثمانی بر ضد شارلکن متحد شدند. ترکان عثمانی سپس درصدد گرفتن مجارستان برآمدند (شاو، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۶).

* در سده‌های میانه، به سرزمینی که از کنت نشینهای فلاندر، آرتوا، هنو، هلند و دوک نشینهای لوکزامبورگ، باربان، گلدنر و اسقف نشینهای لیژ و اوترخت و چند ناحیه دیگر تشکیل می‌شد، پی با می‌گفتند.

** در بخش بزرگی از سده‌های میانه، اروپای مرکزی حکومتی به نام امپراتوری مقدس روم داشت. این امپراتوری و مقام عالی آن، امپراتور، چندان قدرتی نداشت و در سراسر امپراتوری، شماری از امیرنشینهای آلمانی وجود داشت که شاهزادگان آلمانی آنجا را اداره می‌کردند. کوشش همه بر این بود که مقام امپراتور را انتخابی نگاه دارند. در سال ۱۴۳۸م. ارشیدوک اتریش با نام خانوادگی هابسبورگ درصدد برآمد که مرکزیت را در امپراتوری خود تعمیم دهد. در دوران فرمانروایی ماگزیملیان اول (۱۴۹۳-۱۵۱۹م) گویا پیشرفتی در کاربردی ساختن این سیاست حاصل شد.

آغاز روابط

در روزگار مورد بحث این مقاله، لوئی (لودویک) دوم (۱۵۱۴-۱۵۲۶م) پادشاه مجارستان بود (حقی‌اوزون چارشی‌لی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۰). خواهر او با فردیناند، برادر شارلکن، ازدواج کرده بود و از این روی فردیناند مدعی سلطنت در مجارستان بود و این ادعا هم عامل دیگری در رویارویی هابسبورگها با ترکان عثمانی شمرده می‌شد (شاور، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۶-۷).

لوئی دوم به دلیل نگرانی از سوی عثمانیها، در ۱۵۱۶م. فراتر پتروس دومونت، (نوائی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵؛ مجله‌کاوه، ۱۹۲۱، ص ۸۹؛ غلام سرور، ۱۳۷۴، ص ۱۱۱) یکی از کشیشان مارونی لبنان را به نزد شاه اسماعیل فرستاد (آزند، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹) و در دربار شاه اسماعیل از وی به گرمی استقبال شد. هنگامی که فراتر پتروس می‌خواست به مجارستان برگردد،* (حقی‌اوزون چارشی‌لی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۵۱، ۲۲۱) شاه اسماعیل نامه‌ای به شارلکن نوشت و از او خواست که آن را به شارلکن برساند. شاه اسماعیل که در چالدران شکست خورده بود، می‌خواست با فرمانروایان اروپا بر ضد ترکان عثمانی متحد شود و در این میان، شارلکن قدرت بزرگ اروپا شمرده می‌شد. نامه شاه اسماعیل به شارلکن، نخستین نامه‌ای است که دولت صفوی برای یک دولت اروپایی فرستاده است. این نامه به لاتین است** و اصل آن در مجموعه‌ای با عنوان مکاتبات کارل پنجم، چاپ شده است. ترجمه نامه شاه اسماعیل به شارلکن به زبان فارسی و پاسخ آن، در مجله‌کاوه و تاریخ شاه اسماعیل صفوی چاپ شده، اما عبدالحسین نوائی با توصیفات روشن‌تری آنها را چاپ کرده است (همو، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵).

نامه شاه اسماعیل به شارلکن (کارل پنجم)

«به کارل پسر فیلیپ»

اگر به خواست خدا، این نامه به دست شما رسید خواهید دانست که فراتر

* در ۸۹۵ ق/ ۱۴۹۰ م. ماتیاس کورون، پادشاه مجارستان، درگذشت و چون وارث و جانشین قانونی نداشت، جنگ بر سر قدرت آغاز شد. ولادیسلاو، پسر کازیمیر، پادشاه لهستان که در چک فرمانروا بود، پادشاهی مجارستان را نیز به دست آورد. لوئی دوم (لودویک) پسر ولادیسلاو بود که در جنگ با عثمانیها، روز چهارشنبه ۲۹ آگوست ۱۵۲۶ برابر با ۲۰ ذی‌القعدة ۹۳۲ در موهاج کشته شد.

** Correspondenz de Karl V.

پتروس از طرف پادشاه مجارستان با نامه‌ای نزد ما آمد و ما نامه آن پادشاه را با مسرت خاطر خواندیم. اکنون فراتر پتروس مذکور را حامل این نامه می‌سازیم و امیدواریم که وصول آن مایه خشنودی شما گردد. از شما با انتظار تمام انتظار داریم که به خواسته‌های من توجه کنید. ما باید در ماه آوریل، با هم از دو جانب بر دشمن مشترک خویش، سلطان عثمانی، حمله کنیم. سفیری هم یک وقت از طرف پادشاه سوزیتانی از راه تبریز، پیش ما آمده بود و به توسط او به آن پادشاه نامه‌ای نوشتیم، ولی تاکنون جوابی از او نرسیده است. چنان که از رعایای عثمانی شنیده‌ام پادشاهان عیسوی با یکدیگر در جنگ وجدالند و این مایه حیرت است، زیرا که مخالفت ایشان با هم بر جسارت دشمن خواهد افزود. به همین سبب به پادشاه مجارستان نوشتیم که از دشمنی با پادشاهان اروپا پرهیز کند، چه می‌دانم که او [سلطان عثمانی] به عزم جنگ با آن اعلیحضرت سپاهی فراهم کرده و با فرستادن ایلچی و نامه می‌خواهد مرا نیز در این امر با خود متحد سازد، ولی من پیوسته در خواست او را رد کرده‌ام،* زیرا چنانکه شما می‌گویید می‌خواهم در سعادت و بدبختی با شما یار باشم و هر که متحد خویش را تنها گذارد و بدو خیانت کند مستوجب جزای خداوند قادر قهار است؛ بنابراین لازم است که زودتر به تهیه سپاه اقدام کنید و امیدوارم که برای تحریک و تحریض شما به نوشتن نامه‌ای دیگر نیاز نباشد،** زیرا مسافت دور است و فرستادن نامه دشوار. مخصوصاً که سلطان عثمانی دریاها را در تصرف دارد و فرستادن سفیران دیگر جز این سفیر برای ما میسر نیست. البته به سلطان عثمانی اعتماد می‌کنید. سلطان کسی است که به اتحاد و سوگند وفاداری

* منظور کشور سوئیس است.

** گویا شاه اسماعیل این عبارتها را برای تحریک شارلکن نوشته است؛ زیرا پس از جنگ چالدران، سلطان سلیم و جانشین او سلطان سلیمان، به نامه‌های منضرعانه و سفرای شاه اسماعیل اعتنایی نداشتند، چه رسد به اینکه پیشنهاد اتحاد با وی را مطرح کنند.

مقاله ● نامه نگاریهای شاه اسماعیل اول صفوی با شارلکن (کارل پنجم) امپراتور آلمان / ۶۵

اعتنایی نمی‌کند و در راه نابود کردن شما از هیچ کاری دریغ ندارد. این دشمن اجدادی چنان پیمان شکن است که قطعاً با شاهنشاه بزرگی که در کشور آلمان پادشاه است به راستی سخن نخواهد گفت.

تحریراً فی شوال سال ۹۲۴

الحمد لله رب العالمین، آمین

دوستدار شما شاه اسماعیل صفوی پسر شیخ حیدر^(۱) (نوانی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵).

این نامه که در ۱۳ اوت تا ۱۱ سپتامبر ۱۵۲۳ نوشته شده بود، (همانجا) پس از دو سال در ۲۵ اوت ۱۵۲۵ به دست شارلکن رسید. هنگامی که شارلکن در تولدو (طلیطله) به سر می‌برد، این نامه را دریافت کرد و در تاریخ ۶ ذوالقعدة ۹۳۱ پاسخ آن را به لاتین نوشت و به دست فراتر پتروس به دربار صفوی فرستاد (غلام سرور، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳).

پاسخ نامه شارلکن به نامه شاه اسماعیل:

«به امیر والاتبار و توانا شاه اسماعیل صوفی

شاهنشاه ایران برادر و بهترین دوست ما

کارل شاهزاده والاتبار که از پرتو الطاف الهی امپراتور روم و عالم مسیحیت و آلمان و پادشاه ممالک اسپانیا و هر دو قسمت خاک سیسیل و ناوار غرناطه و جزایر بالئار و جزایر سعید و هند و کشور طلای تازه (= آمریکای جنوبی) و امیر سرزمینهای دور دست افریقا و امارت نشینهای آلمان و فرانسه است، برای پادشاه پرهیزگار و سعادت‌مند، شاه اسماعیل صفوی که پادشاه ایران و برادر و دوست ماست از خدای قادر عالمیان که خدای سه گانه یگانه است^(۲) درخواست خوشبختی و کامیابی می‌نمایم.

ای پادشاه عالی‌مقام و ای برادر محبوب در سال گذشته شخصی پتروس نام از کشیشان مارونی جبل لبنان، از جانب سنی الجوانب شما مکتوبی نزد ما

* یعنی: پدر، پسر، روح القدس.

آورد که آن حشمت پناه ما را دعوت می نمود که از ماه آوریل گذشته حاضر باشیم که متفقاً با دشمن مشترک خود سلطان عثمانی داخل جنگ بشویم. بدبختانه مکتوب در موقعی که آن والا حضرت معین نموده بود هنوز به ما نرسیده بود که به فراغ خاطر در آن باب قراری داده شود و نیز اسباب تعجب شد که مکتوب مزبور - چنانکه در نامه پادشاهان معمول و مرسوم است - دارای مهر و امضا نبود و اصلاً از شما چه پنهان مدتی تردید حاصل شد که آیا این نامه و حامل آن را می توان طرف اعتماد قرار داد یا نه، ولی نظر به دوستی و تمایلی که فی مابین است با اشتیاق خاص قاصد و نامه را پذیرفتیم و اگر در جواب تأخیری می رفت به سبب آن بود که هر روز منتظر بودیم شاید اخبار دیگری برسد و تکلیف در خصوص چنین امر خطیری که سخن اقدام بدان در میان است معلوم گردد، اما در این مدت هیچ گونه خبری نرسید و حتی شنیده شد که آن اعلیحضرت را گزند می رسیده و در گذشته اند. امیدواریم که این اخبار خالی از حقیقت باشد. عجالتاً نگرانی ما بسیار است، زیرا گرد آوردن سپاه برای جنگ با سلطان عثمانی خالی از اشکال نیست. از این گذشته چند ماه به سختی بیمار بودیم و علاوه بر اینها پادشاه فرانسه ما را به جنگ باز داشت و در جنگ سختی که با ما کرد شکستهای متعددی خورد و سرانجام پس از آن که تقریباً تمام سپاهیان هلاک شدند، خود او زنده اسیر سرداران ما گردید. اینک که به یاری خدا چنین فتحی نصیب ما گردیده، چون پیوسته آرزومند صلح و آرامش در خاک مسیحیان بوده ایم دیگر امید فراوان داریم که کاری نمانده جز آنکه بنا بر میل و اشتیاق مشترک بر ضد ترکان عثمانی به جنگ پردازیم. به همین سبب، همین قاصد را باز نزد آن اعلیحضرت باز می گردانیم تا مراتب را درباره تصمیم ما به جنگ به عرض برساند. شما نیز مقاصد خود را به توسط کسانی از خودتان که طرف اعتماد کامل هستند به اطلاع ما برسانید و هر چه در این امر زودتر اقدام

مقاله ● نامه‌نگاریهای شاه اسماعیل اول صفوی با شارلکن (کارل پنجم) امپراتور آلمان / ۶۷

نمایید بهتر است چه ما کاملاً آماده‌ایم که با قوای خود و سپاه آن اعلیحضرت به جنگ با این دشمنی که واقعاً بی‌شرم و حیاست بپردازیم. امید است که خدای متعال به آن اعلیحضرت صحت و سلامت عطا فرماید و تمام درخواستهای شما را اجابت کند. نوشته شد در ۲۵ اوت ۱۵۲۵ میلاد نجات‌دهنده ما مسیح در تولدو.» (نوائی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۶۷).

از بازگشت فراتر پتروس به دربار صفوی و رسیدن نامه شارلکن به ایران، اطلاعی در دست نیست. چنان که از تاریخ نامه بر می‌آید، تاریخ نگارش آن به بیش از یک سال پس از درگذشت شاه اسماعیل بر می‌گردد. شاه اسماعیل در روز دوشنبه ۱۹ رجب ۹۳۰ (روملو، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۲۳۷) ۱۸ مه ۱۵۲۴ (نوائی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۶۷) درگذشت و تاریخ نامه شارلکن ۲۵ اوت را نشان می‌دهد. شگفت این است که شارلکن تا فوریه ۱۵۲۹ هنوز از مرگ شاه اسماعیل آگاه نبوده است؛ زیرا در ۱۵ فوریه این سال، برابر با ۶ جمادی‌الثانی ۹۳۵ نامه دیگری به شاه اسماعیل نوشته است و این امر، نابسامانی و سائل ارتباطی میان ایران و غرب را در آن روزگار نشان می‌دهد (آژند، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹). شارلکن نامه دوم را همراه یوهان بالبی از بزرگان دربار خویش به ایران فرستاد. سرگذشت این نامه نیز روشن نیست (نوائی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۷).

نتیجه‌گیری

با آغاز پادشاهی شاه اسماعیل در سالهای نخستین سده شانزدهم، در آسیا و اروپا، سه نیروی بزرگ فرمان می‌راندند؛ صفویه در ایران؛ ترکان در امپراتوری عثمانی و شارلکن (کارل پنجم) در آلمان. ترکان عثمانی تهدید بزرگی برای آلمان و اروپا به شمار می‌رفتند تا آنجا که پس از تصرف مجارستان تا دروازه‌های اتریش پیش رفتند. اروپاییها برای بازداشتن عثمانیها و سرگرم ساختن آنها در شرق، خواهان دوستی و یگانگی با صفویه بودند تا آنجا که شارلکن «که در جستجوی متحد ثابت و پایربایی در مشرق بود، اتحاد با پادشاه مقتدری را در ایران به جان و دل آروز می‌کرد».

شاه اسماعیل نیز پس از شکست در جنگ چالدران در جستجوی متحدینی از غرب

برآمد و پس از دریافت نامه لویی (لودویک دوم)، پادشاه مجارستان، با استفاده از فرصت، نامه‌ای به امپراتور نیرومند آلمان نوشت و پیشنهاد کرد با یکدیگر بر امپراتور عثمانی بتازند. نامه‌نگاری میان دو فرمانروا برای هیچ یک از طرفین سودی نداشت و فقط شالوده روابط صفویه با آلمان بنیان گذاشته شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

۱. آژند، یعقوب؛ تاریخ ایران (دوره صفویان)؛ تهران: جامی، ۱۳۸۰.
۲. حفی اوزون چارشی‌لی، اسماعیل؛ تاریخ عثمانی؛ ج ۲، برگردان: ایرج نوبخت؛ تهران: کیهان، ۱۳۶۹.
۳. دولاندلن، شارل؛ تاریخ جهانی؛ برگردان: احمد بهمنش، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
۴. روملو، حسن بیگ؛ احسن التواریخ؛ ج ۲، به کوشش عبدالحسین نوائی؛ تهران: بابک، ۱۳۵۷.
۵. شاو، استانفورد جی؛ تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید؛ ج ۱، برگردان: محمود رمضان‌زاده؛ تهران: آستان قدس، ۱۳۷۰.
۶. غفاری فرد، عباسقلی؛ تاریخ اروپا (از رنسانس تا قرون معاصر)؛ تهران: جامی، ۱۳۸۴.
۷. غلام سرور؛ تاریخ شاه اسماعیل صفوی؛ برگردان: محمدباقر آرام، عباسقلی غفاری فرد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
۸. ماله، آلبر؛ تاریخ قرون جدید؛ برگردان: سید فخرالدین خان شادمان، تهران: دنیای کتاب و علمی، ۱۳۶۳.
۹. مجله کاهوه؛ دوره جدید، س ۲، ش ۷، برلین: ۱۹۲۱ میلادی.
۱۰. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ؛ تاریخ روابط خارجی ایران؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۱. نوائی، عبدالحسین؛ روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه؛ تهران: سمت، ۱۳۷۷.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی